گفت‌وگو با حسن کسایی موسیقیدان و نوازنده نی

نی بزن به آرامی

فروغ بهمن‌پور

دیدار تو باغ‌ها، چمن‌ها دارد
در هر قدمش دلم وطن‌ها دارد
در لحظه دیدار تو خاموشم از آنک
دل، بیشتر از زبان سخن‌ها دارد

محمدرضا شفیعی کدکنی

لحظه شنیدن صدای ساز او، دنیایی سرشار از بودن و ماندن در دل و جان ترسیم می‌شود و ماندگاری خاطرات ۸۲ سال حضورش، امروز در قاب عکس‌های یادگاری او که حالا در موزه هنرهای معاصر اصفهان به دیوار آویخته شده‌اند رقم خورده است. به تماشای آنها برویم تا به یاد آوریم عصر طلایی گلهای جاویدان را...

سیدحسن کسایی: متولد ۳ مهر ۱۳۰۷ اصفهان
هنرآموخته نزد: مهدی نوایی، ابوالحسن صبا
دارای شیوه عالی در نوازندگی «نی» و «سه‌تار»

چهار یا پنج سال بیشتر نداشت که با کشف صدایش به دنیای موسیقی راه پیدا کرد. منزل پدرش محفل انس هنرمندان قدیم اصفهان بود. نی را به عنوان ساز تخصصی برگزید. برای درک مکتب صبا به تهران آمد. کسایی در چنین فضایی پس از مدت کوتاهی مدارج بالای موسیقی را طی کرد. پس از فوت استاد صبا، به معلومات خود قناعت نکرد و با تکیه بر استعداد ذاتی خویش و همچنین پشتکار و همت فراوان نزد استادان آن روزگار به تکمیل اندوخته‌های خویش پرداخت. همنشینی با مرتضی محجوبی، تاج اصفهانی، ادیب خوانساری، حسن تهرانی و دیگر موسیقیدانان آن روزگار به زودی کسایی را در مقام دست‌نیافتنی‌ترین و تکرارنشدنی‌ترین‌های تاریخ موسیقی قرار داد. او با چند دهه فعالیت مستمر، منظم و جدی ادبیات دیگری را برای ساز نی پی‌ریزی کرد. ساعت‌ها تکنوازی نی در رادیو ایران و رادیو اصفهان، ساعت‌ها دونوازی (بیشتر همراه با استاد جلیل شهناز)، همنوازی با بزرگانی چون حسین تهرانی، مرتضی محجوبی، پرویز یاحقی و...، همنوایی با تاج اصفهانی، ادیب خوانساری، حسین قوامی، عبدالوهاب شهیدی، ساعت‌ها ضبط خصوصی همراه با سیدمحمد طاهرپور، جلیل شهناز، مرتضی محجوبی، تاج اصفهانی و... خود گواه این مدعاست. کسایی هنرمندی است که جوهره معرفت‌شناسی هنرمندان قدیم ایرانی را نه‌تنها در موسیقی بلکه در تمام سلول‌های حیات شبانه‌روزی‌اش جاری کرده است. شاید هیچ هنرمند هم‌عصر کسایی نتوانست به اندازه او نظر و تحسین نخبه‌ها و توده‌های مختلف جامعه را برانگیزد. پرویز یاحقی اعتقاد داشت: «استاد کسایی دارای لحن ویژه، تکنیک ممتاز و سلیقه خاص هنری است. او نماینده تنها گرایش نی‌نوازی در قرن اخیر نبوده است، همزمان با او نوازندگان دیگری هم بودند و هستند ولی هیچ کدام مثل او نتوانستند ارزش‌های متفاوتی را در این ساز کشف کنند. کسایی هنرمندی فرهنگساز و مولف است. همراهی او با استاد جلیل شهناز یکی از درخشان‌ترین آثار برجای مانده در تاریخ موسیقی است که می‌تواند مرجع مهمی برای محققان و پژوهشگران به شمار آید.» اما شاید استاد صبا بهتر از هر کس دیگری ارزش‌های ذاتی هنر او را می‌دانست.

همسر استاد صبا در گفت‌وگوهایی که به مناسبت‌های گوناگون داشته است بارها بر تاثیر ساز کسایی بر روح استاد صبا تاکید داشته است: «... هروقت صبا صدای ساز این نوجوان اصفهانی را از رادیو می‌شنید سرش را به جعبه رادیو تکیه می‌داد و به آرامی اشک می‌ریخت...» استاد صبا وقتی به کسایی نوجوان برخورد، عیار هنری و تفاوت‌های نهفته در وجود او را برتر از دیگران یافت و به همین خاطر هم برای مدتی بیشتر نیرو و وقت و امکانات خود را در اختیار شاگردش که به زودی استاد جوان و قابلی شده بود گذاشت و برای رشد او از سرمایه هنری حیثیت خود هزینه کرد. به هر حال استاد کسایی سال‌های میانه دهه ۵۰ در اعتراض به وضعیت اجتماعی موسیقی از صحنه کنار کشید. این هنرمند بزرگ سال‌هاست تنهایی را برگزیده و محضرش را برای خاص‌الخواص قرار داده است. صرف‌نظر از چند معاشر قدیمی و صمیمی که هر روز را با او و موسیقی‌اش می‌گذرانند، منزل پدری او هر روز میزبان دوستداران هنر و شخصیت محکم و خستگی‌ناپذیر اوست و کسایی این همه مهر را به پاس یک عمر عشق به موسیقی و ادبیات گرفته است. شاید امروز این تصور در بین مردم وجود دارد که با خانه‌نشینی او انگار آخرین چشمه جوشان هنر بداهه‌نوازی و تکنیک‌های اصیل نی‌نوازی خشکیده و از بین رفته است. اما حضور انبوهی آثار منتشر نشده که حالا گوشه اتاق قدیمی استاد جا خوش کرده‌اند این تصور را از بین می‌برد.

چهارم مهرماه، درست یک روز پس از تولد او به دیدارش رفتیم. برای معالجه به تهران آمده بود. احمد مسجدجامعی وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی هم به دیدار استاد آمده بود. ساعتی بعد هم استاد محمدرضا شجریان همراه چند تن از دوستان و شاگردان به جمع پیوستند. استاد در بستر بیماری بود. با این حال حضور مهمانان را با موسیقی پاسخ داد که شرح آن دیدار در فرصت مناسبی خواهد آمد. چندی پیش دیداری دیگر در زادگاه او، شهر اصفهان، داشتیم. آنچه در پی می‌آید حاصل نشست ما با این هنرمند بزرگ است. گفت‌وگو با استاد شاید آرزوی هر روزنامه‌نگار اهل موسیقی باشد و من این فرصت را مرهون خانواده استاد می‌دانم. به هر حال در این گفت‌وگو بخشی از سوال‌های ما با استاد مطرح شد و ایشان به‌رغم ضعف جسمانی پاسخ ما را دادند. امیدواریم پس از بهبودی فرصت را برای گفت‌وگوی جامع‌تر و مفصل‌تر به ما بدهند.

حالا پرسش من و دیگر شیفتگان استاد از مدیران کلان فرهنگی این است که در مورد وی چه کاری امروز شدنی است که فردا ناممکن خواهد بود؟

حسن کسایی در کنار جلیل شهناز، عکس: احمد ریحان

-حسن کسایی در ۱۵سالگی برای نخستین بار (سال ۱۳۲۲)، در رادیوایران، نی نواخت. آیا می‌توانم به عنوان پرسش نخست، سوال کنم که آخرین اجرا یا ضبط رسمی‌تان کی بوده؟

اگر باور بفرمایید(!) در ۸۲سالگی، همین سه چهار ماه پیش بود که با وجود کسالت‌های متعددی که دارم به استودیو رفتم و درست یادم نیست که یک افشاری یا شور با آواز آقای تقی سعیدی اجرا کردم. البته نمی‌توانم بگویم آخرین، چون هنوز امیدوارم نفسی برایم باقی مانده باشد.

-حتماً این طور است و صدای نی شما در طول تاریخ ایران تداوم خواهد داشت.

واقعیت این است که من یک آدم معمولی هستم، ولی وقتی نی میان لب و دندانم قرار می‌گیرد، نمی‌دانم این صدا از کجاست، که خودم را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد، و این نیست مگر خواست خدا. حتماً هم اکتسابی نیست. بعضی شاگردها یا نوازندگان نی می‌گویند فلانی یاد نمی‌دهد(!)، من که نمی‌توانم احساس خودم را به دیگری منتقل کنم. مولوی می‌فرماید:

لقمه‌بخشی آید از هر کس به کس
حلق بخشی کار یزدان است و بس

-آقای کسایی، شما موسیقی فرنگی هم گوش می‌کنید؟

البته. البته به شرط آنکه خوب باشد. من وقتی موسیقی خوب گوش می‌کنم، زنده می‌شوم، و وقتی موسیقی بد به گوشم می‌خورد، می‌میرم. بنابراین بارها مرده‌ام و بارها زنده شده‌ام. پس معیار من، خوب بودن موسیقی بوده است. موسیقی ایرانی بد: نه، موسیقی غیرایرانی خوب: بله. هیچ تعصب ندارم.

-خبردار شدیم فیلم مستند زندگی‌تان تصویربرداری شده و آماده مراحل تدوین است.

بله، به همت و هنرمندی آقای مهرداد دفتری در دو سه سال اخیر این اثر تهیه شده است که جا دارد در همین جا از عشق و علاقه و پشتکار ایشان در به ثمر رسیدن این فیلم قدردانی کنم.

-طبیعتاً موسیقی متن فیلم، باید از تکنوازی نی شما یا احتمالاً قطعات ساخته‌شده توسط خود شما باشد. مشخص است که چه کسی تنظیم این قطعات را عهده‌دار خواهد شد؟

البته اولویت با آقای حسین علیزاده است، به شرط آنکه قبول زحمت کنند.

-چون صحبت از آقای علیزاده شد، تنظیم قطعه «سلام» توسط ایشان در سال‌ها پیش یادم افتاد. بدون شک این قطعه از معروف‌ترین ساخته‌های شما و همچنین موسیقی ایران است، که شهرت فراوانی هم در میان توده‌های مردم دارد. آیا درست است که می‌گویند شما در بازار اصفهان این آهنگ را ساخته‌اید؟

با آنکه بارها از من سوال شده و جواب داده‌ام، ولی چون می‌فرمایید، چشم. یک روز که از بازار اصفهان می‌گذشتم، آقایی را دیدم که بر مرکب سوار است و دکاندارها چون شگون داشت به او سلام می‌کردند. آقا هم یکی به چپ و یکی به راست با حرکت منظم سر و گردن، پاسخ می‌داد: سلام علیکم... و این داستان در طول مسیر بازار ادامه داشت. آن روز که شاید ۱۹ یا ۲۰ سالم بیشتر نبود، وقتی به خانه رسیدم، بر اساس همین موضوع، یک آهنگ دوضربی ساختم که اسم آن را در ابتدا گذاشتم «پل خواجو» و بعدها به «سلام» معروف شد. این آهنگ را با حالات مختلف در رادیو اجرا کردم و مورد استقبال واقع شد.

-از این اجراها، آیا نمونه ضبط‌شده‌ای باقی مانده؟

بله، چند تایی هست، که یکی از آنها با ویولن علی تجویدی، تنبک مهدی غیاثی و نی اینجانب است و یکی هم با تنبک جهانگیر بهشتی که در رادیو اصفهان ضبط شده.

-آهنگ «در کنج دلم» چطور؟

یک روز ظهر با آقای پژمان بختیاری منزل یکی از دوستان مهمان بودیم. ایشان غزلی ساخته بود به نام «در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد» که من هم همان جا روی آن آهنگی گذاشتم. ابتدا علی زاهدی و بعد داریوش رفیعی در رادیوایران خواندند، چند ماه بعد هم آقای منوچهر همایون‌پور که به اصفهان آمده بود، این آهنگ را برایش خواندم، که در برگشت به تهران و با تنظیم حسین یاحقی به شکل موثری خواند.

-وقتی صحبت از موسیقی ایرانی است، دوست دارید بیشتر در مورد کدام هنرمند صحبت کنید؟

از همه، از همه آن هنرمندان، اما خب ترجیح می‌دهم در خصوص هنر استاد مسلم موسیقی ایران، دوست قدیم و صمیم خودم، آقای جلیل شهناز مطلبی عرض کنم و آن این است که آقای شهناز علاوه بر «تار»، سازهای دیگر را هم به نحوی شایسته نواخته‌اند، و اساس مطلب در اینجاست که ایشان به هر سازی که دست برده‌اند از سنتور، کمانچه، تنبک، ویولن و... فرهنگی در آن نهفته که باید گفت «فرهنگ موسیقی شهناز». بله، تردیدی نیست که نوازندگان طراز اول هر کدام از این سازها، از تکنیک بالاتر و بیشتری برخوردار بوده‌اند، و روان‌تر ساز زده‌اند، اما در صدای کمانچه، و حتی در دودانگ صدای شهناز، فرهنگ دیگری نهفته، که درک و شناخت آن برای هرکسی مقدور نیست. شاید قرن‌ها باید تا مادر دهر یک «جلیل شهناز» بزاید.

-دوستی می‌گفت آقای کسایی در «تیم فوتبال اصفهان» بوده است. البته من می‌دانستم که شما ورزشکار بوده‌اید، اما این یکی را نمی‌دانستم.

درست گفته‌اند. سال ۱۳۲۶ در تیم فوتبال اصفهان بودم که به مشهد رفتیم و همان سال هم تیم ما در کشور اول شد. در راه برگشتن از مشهد، رادیو اتوبوس خبر فوت تاثر برانگیز مهدی نوایی (استاد نی‌نواز) را داد. یادش برای همیشه گرامی. سال بعد فینال بین تیم‌های اصفهان و تهران بود. یکی از فوروردهای تیم تهران، شوتی کرد که به تیر افقی دروازه خورد و تقریباً تا یک‌سوم طول زمین برگشت، اما از آنجا که در آن سال‌ها حتماً باید تیم تهران به قهرمانی می‌رسید، بلادرنگ داور سوت کشید، و در نهایت بازی یک بر صفر به نفع تیم تهران شد.

-ردیف موسیقی‌ای که با سه‌تار و آواز اجرا کرده‌اید، سال گذشته منتشر شد. ردیف نی، کی اجرا شده و کی منتشر می‌شود؟

خوشبختانه ردیف سه‌تار و آواز مورد استقبال مردم قرار گرفت، به طوری که هر روز از گوشه و کنار مملکت تماس تلفنی با بنده دارند، و قدرشناسی می‌کنند. از لطف همه سپاسگزارم.

-و ردیف نی؟

ردیف نی را هم که سه سال پیش، یعنی اوایل تابستان سه سال پیش اجرا کرده‌ام، شاید همین روزها منتشر شود. این را عرض کنم که من اصولاً به دنبال کیفیت گوشه‌ها بوده‌ام، نه کمیت آنها.

-آقای کسایی شما به عنوان یک موسیقیدان مکتب‌دیده، صاحب اثر و صاحب نظر، درباره «ردیف مکتب اصفهان» چه نظری دارید؟ اساساً چنین ردیفی وجود دارد؟

اگر ردیف مکتب تبریز، اصفهان، شمال، جنوب، شرق و غرب داریم(!)، بنده بی‌اطلاع هستم. ردیفی را که از کودکی تا به امروز روی آن کار کرده‌ام، شناخته‌ام و می‌دانم «ردیف موسیقی ایران» است، نه کم و نه زیاد!

-آیا در گذشته چنین عبارتی از موسیقیدانان قدیم اصفهان شنیده بودید؟

نخیر، این حرف‌ها اصالت ندارد.

-اوایل مهرماه که برای معالجه به تهران آمده بودید خدمت شما بودیم که آقای شجریان هم به اتفاق چند تن از دوستان به دیدن‌تان آمدند.

بله، در این سال‌ها که بنده و آقای شجریان هر دو کسالت داشته‌ایم، هر از گاه احوالپرس هم بوده‌ایم، یا با هم ملاقاتی داشته‌ایم. در این سفر اخیر هم ایشان با نهایت لطف و دوستی متقابلی که داریم به دیدنم آمدند و ساعتی با خاطرات گذشته و «ساز و آواز» زندگی کردیم، که سعدی گفته است: «چنین کردند یاران زندگانی».

-آقای لطفی چطور؟

لطف آقای لطفی نسبت به بنده، ثابت و دائم است. ایشان قرار است هفته آینده، اصفهان به دیدنم بیایند.

-به امید بهبودی کامل و آرزوی طول عمر برای شما، کلام آخر را از زبان شما بشنویم.

بعد از سال‌ها بی‌اعتنایی از طرف مسوولان، در ۸۲سالگی و با وجود کسالت مزاج، امروز می‌گویم که ای کاش در جای دیگری به جز اینجا زندگی کرده بودم. «به هر آن کجا که باشد به جز این سرا سرایم» چون دیگر تحمل این همه بی‌اعتنایی را ندارم! بله، طی شد! گفت:

عشق آمد به دل و شور قیامت برخاست
زندگی طی شد و این معرکه برپاست هنوز

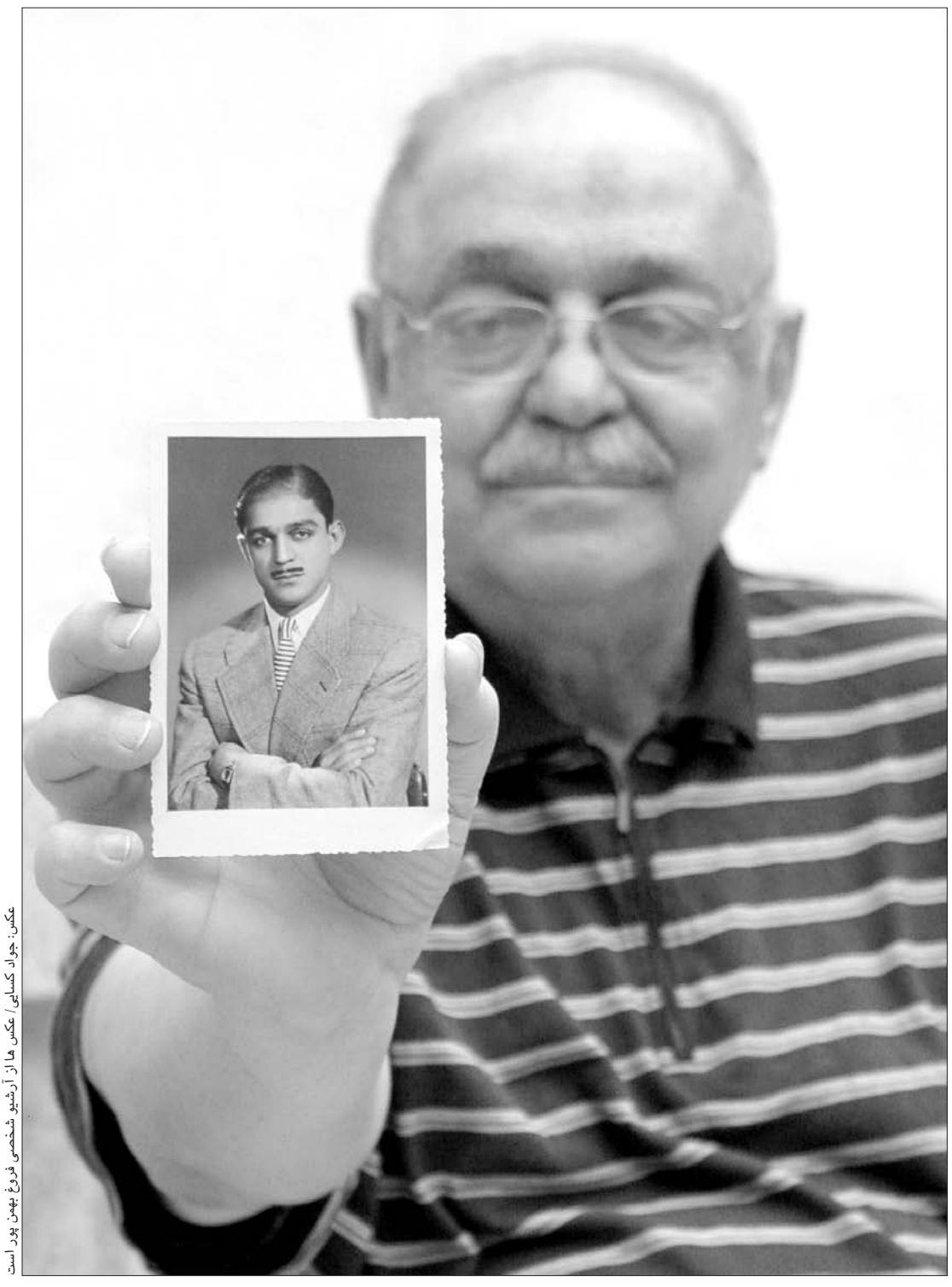

عکس: جواد کسایی / عکس ها از آرشیو شخصی فروغ بهمن پور است

خبر

گروه موسیقی شمس ۳۰ساله شد

پورناظری‌ها که حالا بیش از ۳۰ سال است که موسیقی خود را به مخاطبان ارائه می‌کنند و در تنبورنوازی و همخوانی شهرت دارند، در موزه موسیقی به یاد این ۳۰ سال فعالیت دور هم جمع شدند تا علیرضا قربانی را به عنوان خواننده گروه معرفی کنند. حضور علیرضا قربانی در گروه موسیقی پورناظری‌ها تفاوت چشمگیری بین فعالیت‌های ۳۰ سال گذشته و امروز این گروه به وجود آورده است. علیرضا قربانی ماه پیش با آلبوم «قاف عشق» عنوان بهترین آلبوم سال را از جشن خانه موسیقی به دست آورد.

کیخسرو پورناظری در نشستی که روز چهارشنبه (۱۹ آبان‌ماه) در موزه موسیقی برگزار شد، در سخنانی گفت: «این ۳۰ سال با افت و خیز فراوانی روبه‌رو بود و ما در این گروه از زمانی که موسیقی مطلقاً ممنوع بود، کار کردیم تا کم‌کم دریچه‌هایی باز شد و البته این همت همه هنرمندان بود که در این زمینه پایمردی کردند و در برابر موانع سنگینی که بر سر راه هنرمندان بود، این راه را دنبال کردند.» در ادامه این نشست، تهمورس پورناظری درباره حضور «علیرضا قربانی» در گروه شمس گفت: «اکنون در حال جمع‌آوری و ضبط دو مجموعه صوتی با صدای علیرضا قربانی هستیم که به صورت یک تور که حدود ۱۱ ماه به طول خواهد انجامید، در امریکا، کانادا و اروپا اجرا خواهیم کرد.» این هنرمند همچنین درباره سبک آواز در فعالیت‌های گروه پورناظری‌ها یادآور شد: «در سال‌های پیش (۷۸ تا ۸۸) آواز در گروه به صورت همخوانی بود اما این بار کل مجموعه فضای متفاوتی را تجربه می‌کند و صدای علیرضا قربانی نیز به دلیل جذابیتی که دارد و توانایی خوانندگی‌اش باعث می‌شود گروه پورناظری در این اجراها موسیقی شنیدنی را تولید کند و قطعاتش ماندگار باشد که متاسفانه در ایران تعداد کمی از خوانندگان صدای شنیدنی دارند.»

وی در پاسخ به پرسش خبرنگاری درباره قطعاتی که قرار است در کنسرت‌ها و آلبوم مشترک‌شان با علیرضا قربانی منتشر شود، گفت: «کارها کاملاً جدید است و قطعاتی که در کنسرت‌ها اجرا خواهند شد هم تا به حال شنیده نشده‌اند، اما برای اینکه بتوانیم در کنسرت‌هایمان مخاطبان را جذب کنیم، قصد داریم قبل از آغاز برگزاری این کنسرت‌ها آلبوم‌ها را منتشر کنیم، به علاوه قرار است یک قطعه که مروری بر آثار گروه «شمس» است در این کنسرت اجرا شود؛ این قطعه پیش از این قرار بود در سال ۱۳۸۷ در بزرگداشت مولانا اجرا شود که متاسفانه ممکن نشد و یک قطعه ۷ تا ۱۰ دقیقه‌ای است که مروری بر آثار برتر گروه پورناظری‌ها خواهد بود.» تهمورس پورناظری در پاسخ به پرسش خبرنگاری مبنی بر اینکه شما پیش از این اعلام کرده بودید دوران خوانندگی‌سالاری به پایان رسیده است، اما چگونه با علیرضا قربانی همکاری می‌کنید، گفت: «من هنوز هم معتقدم دوران خوانندگی‌سالاری به پایان رسیده چون ۳۰ سال پیش در ایران به جز محمدرضا شجریان و شهرام ناظری خواننده سومی مخاطب نداشت، اما امروز حداقل هشت خواننده در فضای موسیقی مخاطب عام دارند و حتی گروه‌ها نیز مانند گروه «شمس» و کامکارها و برخی گروه‌های جوان دیگر برای خود مخاطبان ویژه دارند.» علیرضا قربانی در ادامه صحبت‌های تهمورس پورناظری در زمینه آواز او در کنار ساز عرفانی تنبور گفت: «هر خواننده یا نوازنده‌ای در هر فضایی که قرار می‌گیرد، خود را تطبیق می‌دهد. من در قطعه «هور در آفتاب» تجربه آواز با تنبور را داشته‌ام و کار در فضای تنبور و دوتار خراسان را عاشقانه دوست دارم.» او با اشاره به موانعی که بر سر راه موسیقی در کشور هست، گفت: «موانع بسیاری وجود دارد، اما قد این موانع از هنرمندان کوتاه‌تر است و موسیقی ایرانی توانسته رو به جلو حرکت کند. گرچه ما به لحاظ رسانه‌ای نمی‌توانیم با رسانه‌های دیداری و شنیداری ارتباط برقرار کنیم اما رسانه‌های مکتوب در این عرصه قدرت خوبی داشته‌اند.» او توضیح داد: «این کنسرت‌ها با عنوان «نوروز در خارج از کشور» از امریکا و کانادا در ماه‌های اسفند، فروردین و اردیبهشت آغاز می‌شود. بخش اروپایی اجرای این کنسرت‌ها نیز از پاییز سال آینده آغاز می‌شود و در این کنسرت‌ها از اشعار مولانا، کرمانشاهی، علی بهمنی، عطار، عراقی و... استفاده خواهد شد.» تهمورس پورناظری که با همراهی شجاعت حسین‌خان نوازنده هندی روزهای آینده در تالار وحدت موسیقی اجرا می‌کند، گفت: شجاعت حسین‌خان بزرگ‌ترین نوازنده «سیتار» دنیاست و در سال بیش از ۱۰۰ شب کنسرت اجرا می‌کند و قطعاتی که اجرا خواهیم کرد به صورت سی‌دی ضبط شده و با کنسرت منتشر خواهد شد.

کنسرت گروه ژیوار در تالار وحدت برگزار شد

کنسرت گروه ژیوار به خوانندگی ژیوار شیخ‌الاسلامی پنجشنبه بیستم آبان‌ماه در تالار وحدت ویژه بانوان برگزار شد. این خواننده که خود متولد سنندج است به ارائه برنامه‌ای در دو قسمت پرداخت که بخش اول آن متشکل از دستگاه نوا روی اشعاری از حافظ بود و بخش دوم ارائه موسیقی و آواز فولکلوریک کردستان به همراه رقص‌های آیینی آن خطه. این برنامه در ۱۳ و ۱۴ آذرماه در فرهنگسرای نیاوران دوباره به اجرا درخواهد آمد و در دی‌ماه همین سال در اروپا روی صحنه خواهد رفت.

سالار عقیلی و «پرواز پرنده پاییز»

گروه موسیقی قمر به سرپرستی نوید دهقان و خوانندگی سالار عقیلی ۱۱ و ۱۲ آذر در مرکز همایش‌های برج میلاد روی صحنه می‌رود. به گزارش روابط عمومی موسسه فرهنگی هنری نهاله رودکی، در این کنسرت که با عنوان «پرواز پرنده پاییز» برگزار می‌شود، گروه موسیقی قمر متشکل از حامد فکوری، علی خشتی‌نژاد و بهاءالدین توکلی: تار، شیوا قهرمان‌نژاد: بم تار، نسیم اربابی: کمانچه، علیرضا گران‌فر: سنتور، امین گلستانی: عود، شهریار نظری: دف، کامران منتظری: تنبک، نوید دهقان: کمانچه و سالار عقیلی: خواننده روی صحنه می‌رود و قطعاتی را در دستگاه دشتی، اصفهان و راست پنجگاه بر اساس اشعاری از مهدی اخوان ثالث، سیاوش کسرایی و سایه می‌نوازد. در این کنسرت اشعار با مضمون اجتماعی و با وسواس و دقت بیشتری انتخاب شده‌اند، به گونه‌ای که از ابتدا تا انتهای کنسرت یک مفهوم کلی تکرار می‌شود. همچنین تمامی شعرها مفهوم پرنده، پرواز و پاییز را به مخاطب القا می‌کنند. کنسرت گروه موسیقی قمر توسط موسسه فرهنگی هنری نهاله رودکی، ۱۱ آذر ساعت ۱۸/۳۰ و ۱۲ آذر در دو سانس ۱۸/۳۰ و ۲۱/۳۰ در مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار می‌شود.

لغو کنسرت همایون شجریان در شیراز

ایسنا: شرکت «دل‌آواز» در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «کنسرت همایون شجریان در شیراز به دلیل عدم همکاری مسوولان برگزار نخواهد شد.» در این اطلاعیه آمده است: «در پی اجراهای موفق کنسرت‌های همایون شجریان و گروه «همنوازان حصار» به آهنگسازی و سرپرستی علی قمصری در اردیبهشت امسال و دریافت درخواست‌های فراوان از طرف علاقه‌مندان در سراسر ایران جهت اجرای دوباره آن، بر آن شدیم تا نسبت به اجرای مجدد این سری از کنسرت‌ها در تهران، شیراز و سایر شهرها برنامه‌ریزی و اقدام کنیم. کنسرت‌های تهران طی شب‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ آبان‌ماه با استقبال بی‌نظیر مردم روبه‌رو شد، به طوری که فروش بلیت‌های آن طی ساعات اولیه به پایان رسیده و بسیاری از عزیزان قادر به تهیه بلیت نشدند، از این‌رو با همیاری مدیریت محترم تالار وحدت این کنسرت‌ها برای دو شب دیگر در تاریخ‌های ۱۸ و ۱۹ آبان تمدید شد و شب گذشته به کار خود در تهران پایان داد. به اطلاع عزیزانی که همواره پیگیر اعلام تاریخ‌های اجرای کنسرت شیراز بوده‌اند، می‌رساند که ما بر آن بودیم در شهر هنردوست شیراز، شهر شعر و ادب که همواره از دیرباز میزبان پرمهر هنرمندان این مرز و بوم بوده است این کنسرت را اجرا نماییم، از این رو درخواستی جهت اجرای سه شب کنسرت در تالار «حافظیه» به اداره کل ارشاد استان فارس داده شد ولی متاسفانه به دلیل عدم همکاری مسوولان امر نسبت به صدور مجوز بیش از دو شب اجرای کنسرت و افزایش یکباره ۲۰۰ درصدی اجاره‌بهای سالن که هزینه تمام‌شده هر صندلی را به فراتر از حد انتظار و توان تهیه بلیت از سوی علاقه‌مندان می‌رساند و نیز به دلیل مناسب تشخیص ندادن اجرای این کنسرت از سوی این مسوولان در مکانی با گنجایش بیشتر، با پوزش از مردم مهربان شیراز، ناگزیر به لغو اجرای این کنسرت شدیم. هم‌اکنون در پی برنامه‌ریزی جهت اجرای این کنسرت در سایر شهرستان‌ها هستیم که اخبار مربوطه را پس از طی مراحل قانونی و کسب مجوز از طریق سایت «دل‌آواز» به حضور شما عزیزان اعلام می‌داریم.»

هشتم آذر مراسم پایانی نخستین جایزه سال ایرج بسطامی

مراسم پایانی نخستین دوره جایزه سال ایرج بسطامی همزمان با بزرگداشت این خواننده فقید و زنده‌یاد پرویز مشکاتیان ۸ آذرماه در تالار وحدت برگزار می‌شود. در این مراسم که با حضور استادان، پژوهشگران و فعالان موسیقی ایرانی برگزار می‌شود، سه تن از شرکت‌کنندگان در این جایزه که پس از پشت سر گذاشتن مراحل داوری و آزمون حضوری از میان ۲۴۱ شرکت‌کننده حائز بیشترین امتیاز شدند، به عنوان برندگان نخستین دوره جایزه ایرج بسطامی معرفی می‌شوند. در این مراسم همچنین سه نفر دیگر از شرکت‌کنندگان در جایزه، از طرف هیات داوران قدردانی شده و جایزه‌ای با عنوان «یک عمر فعالیت هنری در عرصه موسیقی سنتی» نیز به یکی از پیشکسوتان موسیقی ایرانی اهدا می‌شود. اجرای کنسرت گروه همایون به سرپرستی «حسین پرنیا» و گروه بنیاد بسطامی به سرپرستی «محمد موحدنیا» از دیگر برنامه‌های مراسم پایانی نخستین دوره جایزه سال ایرج بسطامی است. سخنرانی «ایران درودی» نقاش معاصر و عضو هیات امنای بنیاد فرهنگی- هنری ایرج بسطامی و نمایش فیلم مستند «آتش آه» نیز از برنامه‌های دیگر این مراسم عنوان شده است. این مراسم از ساعت ۱۷ تا ۱۹ روز دوشنبه ۸ آذرماه در سالن اصلی مجموعه رودکی (تالار وحدت) واقع در خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار برگزار می‌شود.